



## تحلیل

## نگاه بریکس به ایران به عنوان دارنده بزرگ ذخایر انرژی

● حرکتی که به لحاظ سیاسی انجام شد بسیار قابل دفاع است و حضور در بریکس بدون شک موفقیت به حساب می‌آید



محمدعلی سبحانی  
سفیر اسبق ایران  
در اردن و قطر

پیش از سال ۱۹۹۱، نظام دوقطبی بر جهان حاکم و ظرفیت‌ها و شرایط اقتصادی کاملاً مشخص بود، از این سال به بعد دوره یکجانبه‌گرایی با حضور فعال امریکایی‌ها آغاز شد که در نهایت این شد که سیستم به وجود آمده، کاربرد چندانی ندارد. مرحله‌ای که اکنون در آن قرار داریم، نظام چندقطبی یا مشارکت‌های منطقه‌ای است، به همین دلیل هرگونه حضور در سازمان‌های بین‌المللی و تقویت روابط با مجموعه‌های اقتصادی و غیراقتصادی، یک امر طبیعی و مثبت به حساب می‌آید و دنیا هم آگاه است که ایران با وجود آنکه در شرایط تحریمی به سر می‌برد، اما به شکل ساختاری و به دلیل وجود ظرفیت‌های قابل توجه، امکان چشم‌پوشی از آن برای دیگر کشورهای جهان وجود ندارد. اینکه نام ایران در کنار کشورهای که متقاضی حضور در بریکس بودند (امارات و عربستان) قرار دارد، بسیار پراهمیت است، زیرا این سه قطب در منطقه خلیج فارس از نقش مهمی در حوزه انرژی برخوردارند و طبیعتاً بریکس هم وقتی این کشورها را کنار هم قرار می‌دهد، به این نتیجه می‌رسد که کشورهای فوق نقش فوق‌العاده‌ای در تقویت این گروه ایفا خواهند کرد. بنابراین حرکتی که به لحاظ سیاسی انجام شد، بسیار قابل دفاع است و حضور در بریکس بدون شک موفقیت به حساب می‌آید و اهمیت آن را نباید کم دانست، اما تا زمانی که تحریم‌ها وجود دارد امکان بهره‌برداری از ظرفیت‌های بسیار مهم مهیا نخواهد شد.

نکته بعدی این است که بریکس در کل حدود ۲۷ درصد ظرفیت اقتصاد جهانی را به خود اختصاص داده و هنوز ۷۳ درصد دیگر باقی مانده که نباید آنها را بی‌اهمیت و غیرقابل بهره‌برداری دانست، زیرا همان‌طور که اشاره شد، دنیا دیگر به شکل دوقطبی اداره نمی‌شود، تمام کشورها و اقتصاد جهانی ظرفیت‌هایی به حساب می‌آیند که باید آنها را از آن خود دانست، به همین دلیل اهمیت کشورهای غربی را که در روابط بین‌الملل وجود دارند نمی‌توان نادیده گرفت. پس دولت باید تلاش فراوانی برای رفع تحریم‌ها به خرج دهد، زیرا این مسأله فرصت بیشتری را جهت استفاده از موقعیت‌های جهانی فراهم خواهد آورد. مجدد تأکید می‌کنم، پیوستن به بریکس یک توفیق به حساب می‌آید و چنانچه این عضویت و رفع تحریم‌ها به شکل لازم و ملزوم کنار یکدیگر قرار گیرند، بیش از اینها می‌توان از ظرفیت‌های گروه بریکس بهره برد، به خصوص آنکه بریکس یک گروه اقتصادی و تجاری به حساب می‌آید و می‌تواند در این زمینه بسیار مفید واقع شود.

مقابل به با قدرت‌های جهانی هدف بریکس به حساب نمی‌آید، کشور ما باید این گروه را ظرفیتی بداند که از آن برای ایران رهاورد اقتصادی به دنبال داشته باشد و این مسأله را مورد تقویت قرار دهد. برخی نگاه‌ها به بریکس واقع‌بینانه نیست، این گروه در حقیقت یک فرصت محسوب می‌شود که قوانین آن به شکلی تنظیم شده تا برای تمام اعضا قابل استفاده باشد. بهتر آن است، ایران تا پیش از ۲۰۲۴ میلادی که عضو رسمی این گروه خواهد شد، بحث تحریم‌ها را حل و فصل کند. همان‌طور که اشاره شد، بریکس به دنبال اهداف سیاسی نیست و باید مشکل تحریم‌ها برطرف شود تا بتوان، مانند سایر اعضا از این ظرفیت به وجود آمده بهره‌برداری مناسب را داشت. سایر ظرفیت‌های دیگر نیز در جهان هم به همین شکل است، باید به دنبال کاهش فقر و ایجاد یک توسعه متوازن در کشور بود تا بتوان وضعیت خود در تجارت جهانی را بهبود بخشید. نگاه اعضای اولیه بریکس به پذیرش ایران، امارات و عربستان تولید انرژی است. در واقع با این نگاه می‌توان در کشورها و منطقه خلیج فارس به دنبال ایجاد آرامش بود و این فرصت بسیار خوبی محسوب می‌شود.

حل مشکل سوئیفت، فرصت‌هایی را برای کشور ایجاد می‌کند، ولی این فرصت‌ها کم است و نباید به کم قانع بود. نیاز است تا بشدت و با جدیت طرح‌هایی که در مجمع تشخیص مصلحت نظام بالاترکلیف مانده مورد رسیدگی قرار گیرد، تا با توجه به توان بسیار بالای نیروی انسانی کشورمان و ظرفیت‌های اقتصادی موجود، با عضویت در این گروه‌های بین‌المللی راه را برای تجارت هموار سازیم تا رودخانه اقتصادی ایران با امکاناتی که در آن به وجود می‌آید، روان شود.



## بازبودن فضای تجارت برای تسهیل همگرایی کشورهای کمتر توسعه‌یافته، به سمت استانداردهای زندگی کشورهای پیشرفته‌تر تعیین‌کننده است

● چه اقداماتی می‌تواند روند شکل گرفته رشد مثبت اقتصادی پس از سال‌ها رشد منفی و حدود صفر را دوباره متوقف و به سطوح منفی بازگرداند؟

چرا می‌خواهید روند رشد مثبت رشد اقتصادی را قطع کنید؟ برخی استدلال می‌کنند که مبارزه با تغییرات آب و هوایی مستلزم رشد منفی است اما این اشتباه است. نوآوری سبز به آشتی دادن رشد مثبت و تلاش برای رفاه بیشتر با فوریت مبارزه با گرمایش جهانی کمک می‌کند.

● چقدر زمان لازم است تا ریزش ارزش پول ملی یک کشور که به دلیل رشد‌های مکرر منفی اتفاق افتاده، ترمیم و به حد قابل قبول بازگردد؟

کمتر از پنج یا ده سال در کشوری مانند ایران که از نیروی کار بسیار ماهر برخوردار است و دانشگاه‌های بسیار خوبی دارد، به علاوه منابع نفتی ای که می‌تواند برای رشد بلندمدت سرمایه‌گذاری شود، لازم است تا ارزش ریال را به سطوح قابل قبول بازگرداند.

می‌کنند و ایجاد نهادها و سیاست‌های مناسب برای تقویت نوآوری را به تأخیر می‌اندازند و باعث عقب‌نشینی فناوری می‌شوند. نیروی یک استثنا است، زیرا منابع نفتی را فقط پس از اعمال نهادها و سیاست‌های مناسب کشف کرد. ب این اساس، ایجاد نهادها و سیاست‌های مناسب باید در اولویت باشد.

کاهش سهم نفت از بودجه خود است، چه راهکارهایی را برای استعمار رشد مثبت به کار گیرد؟

بیشتر اقتصادهای مبتنی بر نفت چیزی را تجربه می‌کنند که ما آن را «نفرین منابع» (resource curse) می‌نامیم، یعنی این واقعیت که درآمدهای نفتی سیاست‌های نامناسب از جمله فساد را تغذیه

را پشت سر بگذارد. باز بودن تجارت نیز برای تسهیل همگرایی کشورهای کمتر توسعه یافته به سمت استانداردهای زندگی کشورهای پیشرفته‌تر مهم است. چین و سایر کشورهای آسیایی داستان موفقیت کشورهای هستند که توانسته‌اند به سرعت به کشورهای پیشرفته‌تری تبدیل شوند. از سوی دیگر، به دلیل تداوم مؤسسات ضعیف، سایر کشورها بویژه در آفریقا موفق نمی‌شوند.

● اگر در همین اقتصاد یک‌دهه رشد نزدیک به صفر تجربه شده باشد، از چه زمانی آثار مثبت رشد توسط مردم قابل لمس است؟

اگر اقتصاد به مدت طولانی رشد صفر داشته باشد، درک بهبود استانداردهای زندگی برای مردم سخت است. از این رو استقرار نهادها و سیاست‌هایی که به نفع رشد هستند، اهمیت دارد. همچنین حمایت از حقوق مالکیت، آموزش، بهداشت، باز بودن تجارت و... نیز در این بخش مطرح است.

● پیشنهاد می‌کنید یک اقتصاد نفتی که به صورت تدریجی در حال



## اگر اقتصاد به مدت طولانی رشد صفر داشته باشد، درک بهبود استانداردهای زندگی برای مردم سخت است



## ارزش به ریال باز می‌گردد

کمتر از پنج یا ۱۰ سال در کشوری مانند ایران که

از نیروی کار بسیار ماهر برخوردار است و دانشگاه‌های بسیار خوبی دارد، به علاوه منابع نفتی ای که می‌تواند برای رشد بلندمدت سرمایه‌گذاری شود، لازم است تا ارزش ریال را به سطوح قابل قبول بازگرداند.



جهت کمک به خانوارها شرایط خاصی را می‌توان فراهم آورد. در این حوزه هم این امکان وجود دارد که از طریق قرض‌الحسنه وارد شد و دولت می‌تواند منابع ارزان قیمت مدیریت شده‌ای را به بعضی از خانوارها یا دهک‌های پایین درآمدی ارائه کند.

نباید یک سیاست را برای تمام مردم و بخش‌های اقتصادی اعمال کرد. باید فضای اقتصادی جامع مبتنی بر مزیت نسبی در حوزه اقتصاد بنا شود و سیستم بانکی را بر آن اساس، مدیریت و هدایت کرد، سپس برای بخش‌های مورد نیاز، تسهیلاتی در نظر گرفت. سیستم بانکی را هم باید از این موضوع مستثنی ساخت.

در زمینه برگشت اقتدار بانک مرکزی و اینکه بانک مرکزی مراقب این اقتدار خود باید باشد، به این معنا نیست که در تمام امور دخالت کند. یکی از دلایلی که بانک مرکزی را تضعیف می‌کند، همین موضوع است. تقاضا و میزان سودآوری و مزیت‌های نسبی اقتصاد است که برای بانک‌ها جهت تسهیلات‌دهی نقش تعیین‌کننده دارد.

بنگاه اقتصادی باشد، به شکل فروش اقساطی یا همان عقود مبادله‌ای باید انجام بگیرد. البته خرید ماشین‌آلات را به صورت عقود مشارکتی هم می‌توان نهایی کرد، ولی عقود مبادله‌ای یا به طور مشخص فروش اقساطی به شرط تملیک برای ماشین‌آلات بهتر است. صاحب بنگاه هم به این رغبت دارد زیرا می‌خواهد مالکیت خود را حفظ کند. ولی برای سیستم بانکی بهترین حالت، مشارکت است. برای تجارت بهترین شیوه برای سرمایه‌گذار و سیستم بانکی عقود مشارکتی مضاربه است.

ساختار نظام بانکی کشور به یک بازنگری نیاز دارد. بر همین اساس لازم است که بانک‌ها به خرد، سرمایه‌گذاری، عمومی و جامع تقسیم شوند. بانک‌های جامع هم می‌توانند شعبه‌هایی را به این موضوع اختصاص دهند. معنای بانک جامع این است که به پروژه‌های خرد، خانواده و کلان تسهیلات بپردازد. قطعاً شرایط اعطای وام برای تمام فعالیت‌های اقتصادی با توجه به میزان مزیت نسبی که دارند، وجود دارد، ضمن اینکه بر فرض در پروژه‌هایی برای خرید لوازم منزل

اعتبار در محلی تعیین نشده، به وجود خواهد آمد.

برای جلوگیری از این کار، ابتدا باید دارایی‌های اقتصاد کشور شناسنامه‌دار باشد و زمین‌ها و موضوع قولنامه‌ای کار کردن حذف شود. این سیستم باید به شدت فراگیر و کل اقتصاد کشور را در برگیرد تا یک‌بار برای همیشه بسته شود. پرونده کاداس بیش از ۲۰ سال است که مطرح شده و متأسفانه هنوز بخش زیادی از زمین‌ها و دارایی‌ها از سند رسمی بی‌بهره هستند. صرف اینکه تأکید شود نباید بنگاه‌داری صورت گیرد یا ردیابی اعتبارات باید مورد توجه باشد تا هر اعتباری در جای خود هزینه شود، کار را درست نخواهد کرد. برای سروسامان یافتن این مسأله زیرساخت‌هایی نیاز است که در صورت عملیاتی شدن آنها قطعاً هر اندازه که درباره مشکلات فوق بحث شود، کارآمد خواهد بود، بنابراین کار شکل عملیاتی هم به خود نمی‌گیرد.

نوع قرارداد در هدایت اعتبار بستگی به موضوع تأمین اعتبار دارد. چنانچه موضوع تأمین اعتبار برای تهیه ماشین‌آلات یا خرید مواد اولیه برای یک

بانک مرکزی نسبت به پروژه‌ای که در صدد تأمین مالی آن برآمده، باید آگاهی کامل داشته باشد. زمانی که بدون در اختیار داشتن این اطلاعات با ارائه تسهیلات موافقت می‌شود، معنایی جز صوری بودن پیدا نمی‌کند. به عنوان مثال، وقتی فردی برای سرمایه‌گذاری یک بنگاه اقتصادی تقاضایی دارد، ابتدا باید طرح توجیهی آن مطالعه و درباره میزان سودآوری صنعت در اقتصاد کشور اطلاعات لازم به دست آید، با این روش است که ارقام مصنوعی از واقعی قابل تشخیص خواهد بود.

پیش از اختصاص تسهیلات در هر صورت شرایط لازم باید در مجموعه کلان اقتصاد کشور که شامل وزارت اقتصاد و دارایی، صمت، وزارت جهاد کشاورزی و سیستم بانکی می‌شود، فراهم آید، بنابراین همین نهادها باید در این زمینه تصمیم‌گیر باشند. نکته بعدی مرتبط با به هدف رسیدن دقیق این منابع، ردیابی وجوه و دارایی‌ها است. به این معنا در صورتی که بانک مرکزی و سیستم بانکی نتواند یک سیستم ردیابی مناسب در فضای مالی کشور ایجاد کند، قطعاً شرایط فرار



## در صورتی که بانک مرکزی و سیستم بانکی نتواند یک سیستم ردیابی مناسب در فضای مالی کشور ایجاد کند، قطعاً شرایط فرار اعتبار در محلی تعیین نشده، به وجود خواهد آمد